

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سرایی باستانسفر

الهام دادرش

انتشارات آکوچه

سرشناسه : دادروش، الهام، ۱۳۵۹ -
 عنوان و نام پدیدآور : ایران سرای باستانی / الهام دادروش.
 مشخصات نشر : مشهد: انتشارات آلوچه، ۱۳۹۷.
 مشخصات ظاهری : ۳ج؛ ۵/۱۴ × ۵/۲۱ س.م.
 شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۶۲۳۴-۱۶-۰ : دوره ؛ ۹۷۸-۶۲۲-۶۲۳۴-۱۴-۶ : ج. ۱ ؛
 ج. ۱۱-۵۲ : ۹۷۸-۶۲۲-۶۲۳۴-۱۱-۵۲ : ج. ۱۱-۵۲ : ۹۷۸-۶۲۲-۶۲۳۴-۱۱-۵۲ : ج.
 وضعیت فهرست‌نویسی: فیا
 موضوع : ایران -- تاریخ -- پیش از اسلام
 موضوع : Iran -- History -- To : ۶۳۳
 رده بندی کتبی : DSR۱۴۰/د۲/۹۱۳۹۱
 رده بندی دیوانی : ۹۱/۰۱
 شماره کتابشناسی ملی : ۳۳۷

ایران؛ سرای باستانی جلد دوم

مؤلف: الهام دادروش

ناشر: آلوچه

طراح جلد و صفحه آرایی: حسین مقری مؤذن (ایمان)

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۷

شمارگان: ۱۰۰ جلد

قطع: رقعی

شابک دوره: ۹۷۸-۶۲۲-۶۲۳۴-۱۶-۰

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۲۳۴-۱۵-۳

قیمت جلد شومیز: دوره ۹۰۰۰۰۰ ریال تک جلدی ۳۵۰۰۰۰ ریال

قیمت جلد گالینگور: دوره ۱۲۰۰۰۰۰ ریال تک جلدی ۴۵۰۰۰۰ ریال



فهرست

۱۵	مقدمه
۱۷	مبحث چهارم. خشایارشا پس از مراجعت از یونان
۱۷	حمله یونانیها به آسیای صغیر و قبرس
۱۷	احوال خشایارشا
۲۲	مبحث ششم. قتل خشایارشا، خصائل او
۲۲	ساختن آسیا (۴۹۹ ق.م)
۲۳	خصائل خشایارشا
۲۴	مصلحت ششم
۲۴	سلطنت اردشیر اول، اردشیر
۲۴	مبحث اول. نام و نسب او
۲۴	نسب
۲۵	نسب
۲۶	مبحث دوم. کارهای اولی اردشیر
۲۶	قتل اردوان
۲۷	غلبه بر ویشناسب
۲۹	پناهندن تمیستوکل به اردشیر
۴۱	مبحث سوم. روابط ایران و یونان
۴۱	مخاصمه یونان با پارسی ها
۴۱	اتحاد دلش
۴۵	جنگ آتن با ایران
۴۶	مبحث چهارم. شورش مصر و تسخیر آن از نو
۴۶	احوال مصر
۴۹	شورش مصر



۵۴	یاغیگری مگابیز
۵۶	مبحث پنجم. دنباله روابط ایران و یونان
۵۶	مخاصمه آتن با ایران
۵۷	صلح سیمون ۴۴۹ ق.م
۶۱	روابط ایران و یونان پس از صلح سیمون
۶۲	اندر جنگهای پلوپونس
۶۴	سفارتهای به نان در دربار شوش
۶۶	دعوت بهراط به ایران
۶۷	مبحث ششم. اردشیر در دست و یهودیان
۶۸	کتاب عزرا
۶۹	باب سوم
۶۹	باب چهارم
۷۱	باب پنجم و ششم
۷۴	مبحث هفتم. قوت اردشیر، صفات او
۷۷	فصل هفتم
۷۷	خشیایارشای دوم و سفدیان
۷۷	مباحث اول. خشیایارشای دوم
۷۷	نام و نسب
۷۷	قتل خشیایارشای دوم
۷۸	مبحث دوم. سفدیان
۷۸	نام و نسب
۷۸	قتل سفدیان
۸۰	فصل هشتم
۸۰	داریوش دوم
۸۰	مبحث اول. نام و نسب او



۸۰	نام
۸۱	نسب
۸۱	مبحث دوم. یاغیگری ها و کنکاش ها
۸۲	یاغیگری ارسی تس
۸۳	یاغیگری پیسوت تس
۸۴	کنکاش ها
۸۶	مبحث سوم. شورشها
۸۶	شورش مردم
۸۸	شورش مردم
۸۹	مبحث چهارم. ایران و یونان
۹۰	اتحاد ایران با آذربایجان
۹۷	سیاست کوروش خاندان ساسانیان
۱۰۲	مبحث پنجم. کارهای دیگر در یوش، کتات او
۱۰۲	بنای معبد یهود در اورشلیم
۱۰۴	شورش کردوخ ها
۱۰۴	فوت داریوش دهم، صفات او
۱۰۶	فصل نهم
۱۰۶	سلطنت اردشیر دوم
۱۰۶	مبحث اول. نام و نسب
۱۰۶	نام
۱۰۸	نسب
۱۰۸	مبحث دوم. وقایع بد و سلطنت
۱۰۸	سوی قصد نسبت به اردشیر
۱۱۱	مبحث سوم. یاغیگری کوروش، جنگ او با اردشیر
۱۱۱	تدارکات او



۱۱۵	عزیمت کوروش به جنگ اردشیر ۴۰۱ ق.م
۱۱۵	مضامین نوشته های کزنفون :
۱۱۵	از سارد تا کیلیکیه
۱۱۸	از کیلیکیه تا ایسوس
۱۲۳	از ایسوس تا فرات
۱۲۵	افرات تا کارماند
۱۲۸	قضیه ارن، تاس
۱۲۹	تدارک اردشیر
۱۳۰	جنگ کوناکسا
۱۳۱	روایت کزنفون
۱۳۸	کشتگان جنگ کوناکسا
۱۳۹	خلاصه جنگ کوناکسا و اثرات آن
۱۴۲	مبحث پنجم، رفتار اردشیر پس از جنگ
۱۴۶	مبحث ششم، عقب نشینی یونانی ها
۱۴۶	احوال یونانیها پس از جنگ
۱۵۱	متارکه
۱۵۲	قرارداد تیسافرن با یونانی ها
۱۵۵	روانه شدن یونانی ها با تیسافرن
۱۵۸	رسیدن یونانیها به رود زهاب
۱۶۲	کشته شدن صاحب منصبان یونانی
۱۶۴	کشته شدن کل آرخ به روایت پلوتارک
۱۶۶	تمجید کزنفون از کل آرخ
۱۶۷	تکذیب کزنفون از م نن
۱۶۸	حزن و اندوه یونانی ها
۱۷۱	حملات مهرداد به یونانیها



۱۷۴	یونانی ها به کرکوک ارمنستان و جاهای دیگر رفتند
۱۸۰	مبحث هفتم. اوضاع دربار
۱۸۰	مسموم کردن استاتیرا
۱۸۲	زواج اردشیر با آتس سا
۱۸۳	مبحث هشتم. مخاصمه اسپارت، جنگ ایران و لایپاسدیمون، فرمان اردشیر
۱۸۳	اود و آسیای صغیر
۱۸۶	یساف و در سیلیداس
۱۸۷	امامات دیگر اردشیر بر ضد اسپارت
۱۸۹	اردشیر جنگ را به پایان می برد
۱۹۰	مذکرات آنتالیداس
۱۹۳	صلح آنتالیداس فرمان اردشیر
۱۹۶	اثرات صلح آنتالیداس
۲۰۰	مبحث نهم. فرونشاندن شورش قبرس
۲۰۵	تبرعه تیری باذ
۲۰۶	مبحث دهم. سفر جنگی اردشیر به ولایت کادوس
۲۱۰	مبحث یازدهم. لشکرکشی ایرانیان به مصر
۲۱۰	احوال مصر
۲۱۲	عزم بر تسخیر مصر
۲۱۶	مبحث دوازدهم. شورش چند ایالتی غربی
۲۱۸	حمله مصریها به فینیقیه
۲۲۰	مبحث سیزدهم. قضایای داناتم
۲۲۷	مبحث چهاردهم. روابط ایران و یونان پس از صدور فرمان صلح
۲۳۱	مبحث پانزدهم. جنایت های درباری، فوت اردشیر، خانواده و خصایل او
۲۳۱	قتل داریوش
۲۳۷	قتل اریاسپ و ارسان



۲۳۸	فوت اردشیر
۲۳۸	خانواده اردشیر
۲۳۹	خصایل اردشیر دوم
۲۴۰	فصل دهم
۲۴۰	سلطنت اردشیر سوم و ارسس
۲۴۰	بحث اول - اردشیر سوم
۲۴۰	نام و نسب
۲۴۰	ارسس او به
۲۴۱	کشتن خانواده
۲۴۲	اسکات شورش ای دانی
۲۴۳	باغیگری آرتنه باز
۲۴۳	شورش صیدا و قبرس
۲۴۶	فرونشاندن شورش فینیقیه و قبرس ۳۵۱ ق.
۲۴۹	تسخیر مصر (۳۴۴ ق.م)
۲۵۷	شفاعت من تور از آرتنه باز
۲۵۸	دفع هرمیاس یاغی
۲۵۸	بهبودی اوضاع ایالات
۲۵۹	آواز قوت یافتن مقدونیه
۲۶۰	کشته شدن اردشیر
۲۶۲	صفات اردشیر سوم
۲۶۳	موزوله
۲۶۴	بحث دوم - سلطنت ارسس
۲۶۴	نام
۲۶۴	نسب
۲۶۶	فصل یازدهم. سلطنت داریوش سوم



۲۶۶	مبحث اول. نام و نسب، وقایع بد و سلطنت
۲۶۶	نام
۲۶۶	نسب و مقام او
۲۶۷	قتل باگواس
۲۶۸	آغاز لشکر کشی به آسیا
۲۷۰	ک. شدر: فیلیپ
۲۷۳	اوضاع - ربانر فیلیپ
۲۷۶	دسمت سوم. آ. کندر سوم (کبیر)
۲۷۶	نام
۲۷۶	نسب
۲۷۷	افسانه هایی راجع به نژاد او
۲۸۱	کودکی و نوجوانی اسکندر
۲۸۷	کارهای اسکندر بدو سلطنت
۲۹۲	شور برای لشکر کشی به ایران
۲۹۶	مبحث سوم لشکر کشی اسکندر به ایران، جنگ های ایران و دنیوی
۲۹۶	قسمت اول. از دار داتل تا کیلیکیه (۳۳۴-۳۳۳ ق. م)
۲۹۶	امور ایران
۳۰۳	شور سرداران ایران
۳۰۶	جنگ گرانیک ۳۳۴ ق. م
۳۰۷	روایت دیودور
۳۰۹	روایت آریان
۳۱۵	جهات شکست قشون ایران
۳۱۷	نتیجه جنگ گرانیک
۳۲۱	تسخیر می لت
۳۲۵	مرض اسکندر



۳۳۸	معابر تصرف معابر دیگر
۳۳۹	قسمت دوم - از کیلیکیه تا مصر
۳۳۹	تدارکات داریوش
۳۳۳	حرکت سپاه ایران
۳۳۸	عبور از فرات و وقایع بعد
۳۳۹	بیدن یونانیها به اردوی داریوش
۳۴۰	حرکت اسکندر از کیلیکیه
۳۴۲	تلاق دو لشکر
۳۴۵	ترتیبات جنگی طالع
۳۴۸	نطق های اسکندر
۳۴۹	جدال ایسوس ۳۳۳ ق.م
۳۵۳	غارت اردوی ایران
۳۵۶	پس از جدال ایسوس
۳۶۲	حرکت اسکندر به طرف سوریه
۳۶۵	نامه داریوش به اسکندر
۳۶۵	روایت اریان
۳۶۵	جواب اسکندر به نامه داریوش
۳۶۷	روایت کنت کورث
۳۶۸	روایت دیودور
۳۷۰	اسکندر در فنیقیه
۳۷۱	کشته شدن آمین تاس در مصر
۳۷۲	سر داران داریوش در آسیای صغیر
۳۷۲	نزاع صور با اسکندر
۳۷۴	محاصره صور
۳۷۴	موقع شهر صور



۳۷۵	جنگهای صور با اسکندر
۳۸۵	تسخیر صور ۳۳۲ ق.م
۳۸۷	جهات سقوط صور
۳۸۸	نامه داریوش به اسکندر
۳۹۱	سرداران اسکندر در آسیای صغیر
۳۹۱	تحقیقات راجع به داریوش
۳۹۲	حمت اسکندر به غزه
۳۹۲	محاصره غزه
۳۹۵	تسخیر غزه
۳۹۸	رفتن اسکندر به مصر ۳۳۱ ق.م
۳۹۹	قسمت سوم - از بنیق تا اربیل
۳۹۹	فوت ملکه (زن داریوش)
۴۰۵	پیشنهاد داریوش به اسکندر
۴۱۰	تدارکات داریوش
۴۱۲	اسکندر در بین النهرین
۴۱۴	حرکت اسکندر به طرف گوگمل
۴۱۵	مقدمات جدال گوگمل ۳۳۱ ق.م
۴۱۷	روایت آریان
۴۱۸	روایت کنت کورث
۴۲۰	وحشت مقدونیها
۴۲۱	اضطراب اسکندر، مجلس مشورت
۴۲۵	جدال گوگمل
۴۳۲	داریوش در اربیل
۴۳۳	قسمت چهارم، از اربیل تا تخت جمشید
۴۳۳	حرکت اسکندر به طرف بابل



۴۳۵	ورود به بابل
۴۳۸	حرکت اسکندر به طرف شوش
۴۴۲	حرکت اسکندر به طرف پارس
۴۴۶	اسکندر در بندر پارس
۴۵۲	دریافت پارس و معبر ترموپیل
۴۵۴	اسکندر در تخت جمشید
۴۵۷	نوشته های دیودور
۴۵۹	روایت موتارکت
۴۶۱	روایت آریان
۴۶۱	قسمت پنجم: از تخت جمشید تا حوالی دامغان
۴۶۱	اسکندر در تعقیب داریوش
۴۶۲	روایت آریان
۴۶۴	گرفتار شدن داریوش
۴۶۵	روایت کنت کورث
۴۶۹	کید بسوس و تبرزن
۴۷۲	شاه و دربار
۴۸۰	تشکیلات اداری
۴۸۴	مالیه
۴۹۱	موجودی خزانه ها
۴۹۲	مقایسه فهرست داریوش با نوشته های هرودوت
۴۹۴	سپاه
۴۹۸	بحریه
۵۰۱	داوری
۵۰۴	راه ها و جابار خانه ها
۵۰۸	مسکوکات هخامنشی



۵۱۱	مقادیر
۵۱۳	تقویم
۵۱۴	فصل دوم طبقات، فلاحت، تجارت، صنایع
۵۱۴	مبحث اول. طبقات
۵۱۷	مبحث دوم. فلاحت
۵۲۱	مبحث سوم. تجارت و صنایع
۵۲۸	ایاد دولت هخامنشی گمرک میگردته اند؟
۵۳۰	فصل سوم
۵۳۰	مذهب، آداب و عادات
۵۳۰	مبحث اول. مذهب
۵۳۰	مقدمه
۵۳۲	نتیجه
۵۳۶	نظر شاهان هخامنشی نسبت به مذهب یهود



مقدمه

اصلت. بنیان. اساس. در اصل ریشه داشتن هست. سفری لازم هست برای یافتن اصلت درونی خویش. انگاه که میخواهی بدانی از کجا وجود یافته ای و گمشده اصلت وجودیت را بیابی تمام هستی را در همسفر خویش می یابی. گویی همه پدیده ها ریشه دارند و احتیاق و جاذبه نهایی همه را به سوی آن اصل می کشاند. و تو کتاب بار تاریخ من تنها همسفر شیرینم هستی. گذشته تاریخم را با نام فرزند و نشیب آن در چند جلد مینویسم تا قصه ای باشد شیرین اما واقعه ای برای آیندگانم.

روح ما با روح شه ر اصل خویش

پیش از این تن بوده هم پیوند

خویش

تذکر موضوع این کتاب تاریخ ایران قدیم است. باید کتاب را موافق ادوار به قسمتهایی تقسیم کرده شرح وقایع و حوادث هر قسمت مرتباً پرداخت و پیش رفت؛ زیرا ایران قدیم در یکی از دوره های عمر خود به ترتیب تاریخی نخستین دولت جهانی به شمار می رفت « و مشرق قدیم را شامل بود. در دوره های دیگر عهد باستانی اش هم، اگر تمام مشرق قدیم را در بر نداشت، باز مهمترین دولت آن محسوب می شد. پس برای فهم تاریخ قدیم ایران مقتضی است بدانیم که مقصود از مشرق قدیم چیست، از گذشته های چه مللی تاریخ آن ترکیب یافته و چه مقامی را این ملل در دنیای قدیم حایز بودند؟



مبحث چهارم. خشایارشا پس از مراجعت از یونان حمله یونانیها به آسیای صغیر و قبرس احوال خشایارشا

در باب احوال این شاه پس از مراجعت او به آسیا اطلاعات زیادی در دست نیست و هرودوت فقط شمه ای از احوال او و وضع در بارش نوشته که چنین است (کتاب نهم، بند ۱۰۸-۱۱۳): خشایارشا از زمانی که در یونان برگشت در سارد اقامت داشت و در اینجا عاشق زن ماسیسوس «برادر خود گردید، ولی هرچند در مهرورزی خود پافشارد، زن ماسیسوس اعدی نشان نداد و خشایارشا هم به ملاحظه برادرش به جبر نبود بی می شد. بالاخره به نظر خشایارشا چنین رسید که اگر دختر ماسیسوس را از این زن برای پسر خود داریوش بگیرد، به زن برادرش نزدیک تر و مورد توجه او واقع خواهد شد. چنین کرد و بعد از عروسی که موافق آداب به عمل آمد، خشایارشا به شوش رفت. پس از رفتن، آرتا اینت «زن داریوش را به قصر خود احضار کرد زیرا در این زمان از مادر او منصور و عاشق عروس خود گردیده بود. چیزی نگذشت که قضیه فاش شد و شرح آن چنین است: آمیش تریس «نخستین پسر خشایارشا که ملکه بود پارچه هایی رنگارنگ به دست خود بافته لباس گرانبهایی برای شاه تهیه کرد و خشایارشا از داشتن چنین لباس عرق شعف گردیده و آن را پوشیده به دیدن آرتا اینت رفت. بعد در موقعی که فریفته دلرباییهای این زن بود بدو گفت از من چیزی بخواه تا هرآنچه خواهی بدهم. زن گفت: شاه، واقعاً هرچه خواهم می دهی؟ خشایارشا قسم یاد کرد که چنین خواهد کرد و هیچ گمان نمی کرد که او همین لباس را خواهد خواست. پس از آنکه آرتا



اینت از وعده شاه مطمئن گشت از خشایارشا خواست که لباس خود را به او بدهد. شاه در موقع مشکلی واقع شد، چه می ترسید که آمیش تریس از سز او آگاه شود، زیرا قبلاً هم ملکه از طرز رفتار شاه ظنین بود. بنابراین به التماس افتاد و آنچه به نظرش آمد از دهات، نقود طلا، جواهر و حتی سرداری لشکری به او وعده داد، تا او را از مسئله لباس منصرف دارد. (هرودوت گوید که سرداری لشکر بزرگترین عطیه ای است که در پارس میدهند)، ولی هیچکدام از این وعده ها از او راضی نکرد و بالاخره خشایارشا لباس خود را به او داد و آن را پوشید. ملکه به زودی آگاه شد که لباس شاه را آرتا اینت در بزم می کند، و مطلب را فهمید ولی غضب خود را متوجه مادر او کرد زیرا مادر آرتا اینت باعث این قضیه شده. باری انتظار کشید تا روز جشن و ضیافت در رسید. هرودوت گوید: عادت پارسی ها برای آنست که روز تولد شاه را جشن میگیرند و آنرا تیکتا نامند. این یگانگی آنست که شاه سر خود را با عطریات می ساید و عطایای زیاد به پارسی ها میدهد. در این روز آمستریس از شاه خواست که زن ماسیس را به او تسلیم کند. خشایارشا از چنین خواهشی متوحش شد. به این جهت آن آگاه نبود و به علاوه تسلیم زن برادر خود را به ملکه و بزرگ می دانست بخصوص که او تقصیری نداشت. این بر آنکه در پذیرفتن خواهش ملکه خودداری کرد ولی آنچه کرد که او را منصرف کند مفید نیفتاد. بالاخره از این جهت که قانون پارس اجازت نمیدهد شاه در جشن تولدش خواهشی را رد کند خشایارشا زن ماسیس را تسلیم ملکه کرد و به او گفت هرچه خواهی با او بکن و بعد ماسیستس را خواسته به او چنین گفت: «تو پسر داریوش و برادر منی و مردی هستی نیک، دیگر به این زن نزدیک مشو من دختر



خود را به تو خواهم داد. او را زن خود بدان و این زن را از خود دور کن. این است اراده من». ماسیس پس از این حرف در حیرت شده جواب داد: «شاه، چه سخنان غریب می‌گویی؟ می‌خواهی از زنی جدا شوم که می‌خواهمش و سه پسر جوان و نیز دخترانی از او دارم که یکی را از آنها برای پسر ت برگزیده‌ای. تو حکم می‌کنی او را بیرون کنم و دختر تو را بگیرم. قدر و قیمت چنین افتخاری را میدانم و نه زنم را رها می‌کنم و نه دختری را می‌پذیرم. به من جبر نکن. بخدا من با زن خود باشم. تو برای دختری اشخاصی بهتر از من نداری یافت». خشایارشا از این جواب در خشم شده گفت: «همین است که می‌گویم. ماسیس، حالا که چنین است دخترم را اگر می‌بخاشی به تو نخواهم داد و زنت را هم دیگر نخواهی داشت، تا

۱. Tycta

بدانی که حرف مرا نباید رد کرد. در این حال ماسیسی از پیش خشایارشا بیرون رفت و در حین رفت که خارج می‌شد این کلمات را اداء کرد: «شاه، تو مرا نه بکشته‌ای». هنگامی که خشایارشا با برادر خود حرف می‌زد ملکه قلیس را شاهی را خواسته امر کرد زن ماسیسی را ناقص کنند و آنها را بکشند و او را بریده پیش سگ انداختند و بعد گوشه‌ها و بینی و لبان او را بریده بدین حال به خانه اش فرستادند. ماسیس از ناقص شدن زنش اطلاع نداشت ولی چون حش می‌کرد که این قضیه شوم نتایج بد خواهد داشت وقتی که از پیش شاه بیرون آمد با عجله به خانه شتافت و همین که زن خود را در آن حال دید با پسران خود شور کرده به طرف باختر روانه شد تا در آنجا انتقام از برادرش بکشد. هرودوت گوید من یقین دارم که اگر به باختر و مملکت شکاها



می رسید، موفق میشد زیرا او والی این ایالات بود و مردم او را دوست می داشتند ولی خشایارشا از نیاتش آگاه شده قشونی برای به دست آوردن او فرستاد و او را با پسرانش و سوارانی که همراه او بودند گرفته کشتند. چنین است گفته هرودوت درباره خشایارشا، صحت یا سقم آن معلوم نیست ولی با گفته دیگر هرودوت که «ترکر شده متضاد است. توضیح آنکه موزخ مذکور گوید، در پارس و کلیه آسیا رسم نیست زنان کار کنند و دیگر این نکته است: لباس رنگارنگی را که ملکه برای شوهرش بافته و دوخته بود: گونه یک زن می توانست بپوشد چنانکه بزبید و مضحک نباشد. موزخ که در جای دیگر کتاب خود (کتاب ۴، بند ۴۳) نیز درباره خدایا می گوید: «فینیقیها گویند ساتاس پس نامی پسر چیش پش» که از خانواده همنامی بود، دختر دوشیزه زوپیر پسر مگابیز را (ذکر هرودوت بلات اندیشه م) بی سیرت کرد و درازای این خیانت محکوم به اعدام گردید. بی مادر ساتاس پس که خواهر داریوش بود (مقصود داریوش بزرگ است)، عفو شاه را تمنی کرده افزود: خودش مجازاتی برای او معین ننهاد که سخت تر از مصلوب شدن باشد. مجازات این بود که پسر او می بایست دور لیبیا بگردد تا اینکه وارد خلیج عربستان شود (یعنی از دریای مغرب روانه شده به دریای سرخ بازگشت کند). خشایارشا با این شرط او را معفو داشت و ساتاس پس به مصر در آمد. یک کشتی گرفت و تا ستونهای هرقل پیش رفت. پس از آن او انتهای لیبیا را از طرف مغرب که شلیان نام داشت دور زده به طرف جنوب راند و در مدت چند ماه همواره دریانوردید تا مسافتی بزرگ پیمود.

۱. ti Sataspes شده سث اسپ است که اکنون صداسب گوییم. ۲.